

نقش دلالان در خرید و فروش



دادوستد در دوره قاجار از اصول و قوانین خاصی برخوردار بود و معمولاً شیوه پرداخت به دو صورت نقدی و اقساط صورت می‌گرفت. در این میان برخی نیز با دلالی به خرید و فروش مشغول شده و از این راه به پول و ثروت می‌رسیدند. درواقع بیراهه نیست اگر گفته شود خرید و فروش بسیاری از اجناس با واسطه دلالان صورت می‌گرفت:

«اعتبارداشتن کسبه درمقابل تجار عمده‌فروش هم‌خودمزایایی قابل‌توجهی محسوب می‌گردد. بطوریکه به‌فروشنندگان دست دوم این فرصت را می‌دهند که قیمت کلی جنس دریافت کرده از عمده فروش اولیه را سه یا چهار ماه بعد پرداخت کنند. گاه در اجناس فراوان و خیلی ارزان این فرصت به هیجده ماه هم می‌رسد. کلیه امور خرید و فروش کلی اجناس بدست واسطه‌های بازار انجام می‌گیرد که آن‌ها نیز در انجام هر معامله چند درصد سهم دلالی از هر دو طرف می‌گیرند. درمیان دلالان انسان‌های صادق و درستکار نادرنند و اغلب آن‌ها حقه باز، اهل زب‌بند و دغلند. طبقه تجار اغلب طماع، خسیس و متعصبند. تا زمانی‌که در بازار هستند و دست بکار تجارتند بعلت بیم از عوامل دولت و مالیات چپان از بروز میزان درآمد و ثروت خویش بدیگران خودداری می‌کنند ولی پس از بازنشستگی و دست کشیدن از کار در سنین بالا، آرام آرام شروع به علنی کردن راز ثروت خویش می‌کنند و بیش از این نظاهر به فقر و ورشکستگی و کساد بازارشان نمی‌کنند. بازارهای ایران که بی‌ض کلی آن در دست تجار بزرگ و معتبر شهر است همیشه دارای دو نوع نرخ متفاوت می‌باشد. نرخ خرید جنس بصورت نقدی و نرخ خرید بصورت اقساط و وعده‌ای. که فروش بصورت وعده‌ای هم جز به کسانی که دارای سابقه و اعتبار، یا معرف و ضامن در نزد تاجر فروشنده هستند امکان ندارد. نرخ خرید بصورت نقدی بمراتب ارزان‌تر از بصورت اقساط و وعده‌ای می‌باشد.»

منبع: چارلز جیمز ویلز، سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن گذشته)، ترجمه غلامحسین قراقرزلو، تهران، اقبال، ۱۳۸۸، ص ۲۲۷

عشقی که ناصرالدین شاه بر

مزارش آرام گرفت



جیران ملقب به فروغ السلطنه از همسران برگزیده ناصرالدین شاه بود. جیران دختری زیبا از اهل تجریش بود. چشمانی چنان گیرا داشت که از هر بیننده دل می‌ربود. شاه نیز به دیدگان آهوی وی دلباخته و اسیر عشقش شده بود. روزی دور از او زیستن نمی‌توانست و ماهی جز وی در آسمان زندگی خود نمی‌دید. در کنار جیران دیگر همسران خود را از یاد برده و آتش حسادت در دل خسته آنان افروخته بود. جیران از شاه دو پسر آورد که هردو ولیعهد خوانده شدند ولی در کودکی از دست رفتند.جیران در جوانی به بیماری درمان ناپذیر مبتلا آمد. شاه روزی چند بار و هر بار چند ساعت در کنار بستر بیمار محبوس می نشست و بیشتر داروها را بدست خویش به وی میخواند سرانجام حالش به وخامت گرائید و پزشکان در علاجش فروماندند. روزی که جیران واپسین دقیق تلخ و شیرین زندگی را میگذرانید شاه لحظه ای از بالینش دور نشد و چون آخرین دم بر روی لبان بیرنگش سرد شد همسر تاجدار بر جسد بی جان دلدار زار گریست...ناصرالدین شاه هرگز لقب



جیران واجازه ی سکونت در عمارت اورا به کسی نداد. گاه خود بدن خلوت انس رفته زمانی بافکر روزگار گذشته و یادگارهای یار از دست رفته هدم و هم داستان می‌گشت.تاشاه را جان به تن بود مهر جیرانش ازدل بیرون نشد و روزی که در حرم عبدالعظیم هدف تیر بیداد گشت دست بر زخم سینه نهاده خود را به ارامگاه جیران رسانید . در کنارش جان داد و همانجا بخاک سپرده شد. از آنجا که تیر بر قلب پر مهر شهیران نشست تا تربت یار چند گام بیش فاصله نبود و این آخرین راهی بود که پس از پنجاه سال سلطنت با دل خونبار پیمود.

منبع: یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه/دوستعلی‌خان معیرالممالک/صص۳۹-۳۸

شهر باستانی توز ، منطقه‌ای صنعتی و تجاری ساسانیان در بوشهر



شهر باستانی توز در سال هیجدهم یا نوزدهم هجری قمری در نبرد میان ساکنان آن با سپاه اسلام به فرماندهی عثمان بن ابی العاص به تصرف مسلمانان درآمد. بقایای این شهر باستانی اکنون در شمال شرقی شهر سعدآباد کنار جاده سعدآباد به وحدتیه نزدیک روستای زیرراه است. از آثار و تمدن باز مانده باستانی و دیدنی توز و سبا می‌توان به مجموعه غارهای چهل خانه اشاره کرد که در شمال شهر سعدآباد، نزدیکی ویرانه های شهر باستانی توز قرار دارد.

چهل خانه در دیواره سنگی رودخانه شاپور ساخته شده است، گرچه تاریخ دقیقی از زمان ساخت آن در دست نیست ولی اکنون ۲۳ خانه آن باقی مانده است. توز بسیار گسترده بوده و از وحدتیه تا شبانکاره و سعدآباد و در جنوب تا روستای دهقاند ادامه داشته است و شاید هم شهر توز حد فاصل بین روستای آباد و سمل قرار داشته، که در اثر مسطح کردن زمین های ناهموار آن منطقه باروی قلعه ای کشف شد که باستان شناسان، سبک معماری و ملات به کار رفته در آن قلعه را مربوط به دوره ساسانیان دانستند.

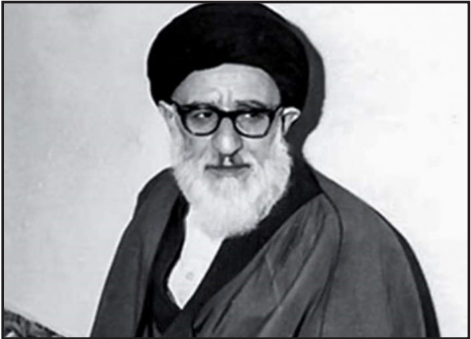
توز دانشمندان بسیاری را در خود پرورش داده است که می توان تاج‌الدین فارسی و عبدالله بن هارون التوزی را نام برد.آثار متعددی از جمله: سفال، کوزه، لوله آبی، اشیاء قیمتی و ... در این منطقه به دست آمده و آثار متعددی هم در زیر زمین مدفون است و نیاز به حفاری دارد. بر اساس گزارش های مورخین و جغرافی دانان مسلمان، بقایای شهر توز کنونی به اردشیر بابکان (اوایل قرن سوم میلادی) بنیانگذار دولت ساسانی منسوب است.

در روزگار شورش، قرمطیان توج در برابر آنان ایستادگی نمود و اندکی پس از آن به سرزمین‌های زیر فرمان بوبیان پیوست. پایان کار توج به سده دوازدهم میلادی بازمی گردد که در این زمان توج رو به ویرانی نهاد. در مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی در مورد تاریخچه شهر باستانی توز آمده است:



آن از هر گونه سرزنش و تنبیهی در امان می‌مانند:وقتی به عیادت بیماری می‌روند،هر قدر که ناخوشی وی سخت باشد،در بالین او می‌گویند که مطلقا اهمیتی ندارد و در اندک مدتی معالجه خواهد شد.هنگام خروج از اتاق بیمار،خویشان نزدیک وی را نیز مطمئن می‌سازند ولی در عین حال کلماتی چند در زمینهٔ مشکلات معالجه در سخنان خود جای می‌دهند. اما وقتی به در خروجی

پرهیز آیت‌الله طالقانی از ناهار دادگاه پهلوی



در وصف شخصیت آیت الله طالقانی که کوچکترین موارد را رعایت می‌کرد و حق الناس را همیشه در نظر داشت، روایت متعددی بازگو شده است.

«جلال الدین فارسی» روایتی داشته از اصرار مرحوم طالقانی بر رعایت تمام و کمال شعائر و اخلاق اسلامی در دادگاه پهلوی که شرح آن را در ادامه می‌خوانیم:

طالقانی وسواس شرعی خود را تا بدان پایه حفظ می‌کرد که حتی از خوردن غذای تدارک شده دادگاه اجتناب می ورزید. در نخستین روز دادگاه هنگامی که پس از اعلام تنفس آقایان را به صرف ناهار دعوت کردند، متهمان این دعوت را مؤذیانہ رد کردند. هرچند وکلای مدافع همراه با هیئت دادرسی و دادستان ناهار صرف کردند.

پس از بازگشت به تالار دادرسی، طالقانی اقدام وکلای مدافع را در صرف ناهار در حضور رئیس دادگاه مورد انتقاد قرار داد و گفت: «در بودجه دادرسی ارتش محلی برای غذا دادن به وکلای مدافع وجود ندارد. این غذا از جیره سربازان پادگان است و حلال نیست؛ وانگهی شما با مدعیان خود نباید بر سر یک سفره بنشینید و حق سربازان را بخورید.»

این واکنش سبب شد تا دفعات بعد وکلای مدافع ضمن پرهیز از ناهار خوردن با گردانندگان دادگاه، همراه موکلان خود در همان تالار دادگاه ناهاری مختصر که عمدتاً غذایی حاضری بود، صرف کنند.

منبع: زندگینامه سیاسی آیت الله طالقانی، علیرضا ملائی توانی ، نشر نی، ۱۳۸۸ ص ۱۸۶.

از دخمه‌هایی که در استان بوشهر ایجاد شده چه می‌دانید؟



غار چهل خانه یکی از غارهای استان بوشهر و از جمله جاذبه های گردشگری این استان است که در روستای زیراه در ۷ کیلومتری شهر سعدآباد شهرستان دشتستان و ۲۷ کیلومتری جاده برازجان به بندر گناوه قرار دارد.

غار چهل خانه مجموعه‌ای از تعداد زیادی اتاق (دخمه) است که در رشته کوهی مشرف به رودخانه شاپور ایجاد شده اند. اندازه داخلی دخمه ها متفاوت است و این تفاوت به مقاومت جنس سنگ کوه درمقابل عوامل طبیعی فرسایش همچون سیل مربوط می باشد. این دخمه ها از درون به یکدیگر مرتبط بوده و در هر یک از آنها، طاقچه ها و آبراهه هایی به وجود آمده است. این دخمه ها برای قرار دادن اجساد پیروان آیین زرتشت بوده است. برخی از دخمه ها در اثر گذشت زمان و دخالت عوامل طبیعی از میان رفته اند. در حال حاضر تعداد دخمه های سالم این غار به ۲۳ عدد می رسد. در واقع به دلیل وجود همین دخمه های بسیار بوده که این غار به «چهل خانه» معروف گشت.

در شمال سعدآباد از توابع برازجان، رودخانهٔ شاپور از بین صخره های سنگی و لایه های شن و ماسهٔ متراکم عبور می کند. در دو سمت کمرکش این صخره ها تعداد زیادی دخمه به صورت اتاقک های کوچک کنده شده است. این دخمه ها از درون به هم متصل هستند و در هر یک از اتاق ها طاقچه ها و آبراهه هایی نیز کنده شده است. احتمال می رود که آنها از نوع دخمه های تدفینی دوره های ماد و ساسانی باشند. در حال حاضر ۲۳ اتاق از آن سالم برجای مانده و بقیه در اثر گذشت زمان و عوامل طبیعی از میان رفته اند. با توجه به تحقیقات وسیعی که در مورد چرایی حفر این دخمه ها توسط باستانشناس معروف احسان یغمایی انجام گرفته و همچنین با توجه به موارد مشابه این دخمه ها در بندرسیراف و جاهای دیگر همه باستانشناسان بر این متفق القول هستند که این غارها محلی برای قرار دادن اجساد بودند، (استودان ،استخوان دان) چرا که پیروان آیین زرتشت به سبب مقدس شمردن عناصر چهارگانه، آب، خاک، آتش و باد اجساد خود را در خاک دفن نمیکردند تا قداست و پاکی خاک محفوظ بماند. پس این نظریه های دیگر برای کاربرد چهل خانه که اکثرا بر سر زبانها میباشند نظیر معبد میترآ، قلعه فراموشی، محل نگهداری بیماران لا علاج و...همگی باطل میباشند.

